

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

موضوع:

**رقابت برای کسب هژمونی منطقه‌ای
و روابط تنش‌آلود ایران و عربستان**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمدرضا تخشید

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سیدعلی سادات اخوی

نگارش:

امیرعلی جعفری

۱۳۹۰

چکیده

موضوع تحقیق حاضر، تجزیه و تحلیل روابط ایران و عربستان و تنش های موجود میان این دو کشور است. پژوهشگر قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که علت اصلی تنش در روابط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی چیست. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و علت های مادی و عینی تنش در روابط ایران و عربستان و ارزیابی آن بر مبنای ساختار روابط بین الملل است. در پژوهش هایی که در آنها روابط ایران و عربستان مورد تحلیل قرار گرفته است، محققین به طور عمده دو علت را در پاسخ به چرایی تنش روابط دو کشور مورد توجه قرار داده اند. نخست اختلافات ایدئولوژیک و مذهبی که از ماهیت و هویت متفاوت و متضاد نظام های سیاسی دو کشور ناشی می شود و دوم نقش ایالات متحده آمریکا و روابط استراتژیک این کشور با عربستان سعودی و در عین حال خصومت ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران. لیکن پژوهش حاضر بر این نظر است که اگرچه دلایل و علت های مذکور یعنی اختلافات هویتی و ماهیتی نظام های دو کشور و همچنین نقش ایالات متحده در ایجاد تنش میان ایران و عربستان بی تأثیر نیست، اما نمی توان آنها را علت اصلی روابط تنش آلود دو کشور دانست. این پژوهش علت اصلی این مسئله را رقابت دو کشور برای تبدیل شدن به هژمون منطقه ای می داند. طبق این پژوهش کشورهای عراق، لبنان، فلسطین، بحرین، و همچنین سرمایه گذاری های تسلیحاتی حوزه های اصلی رقابت میان ایران و عربستان است.

بنابراین از این پژوهش با بررسی حوزه های متفاوت یاد شده رقابت چنین نتیجه گیری می شود که تنش همواره در روابط ایران و عربستان فارغ از تضادها، اختلافات هویتی، نقش و رابطه ایالات متحده آمریکا در مقاطع مختلف تاریخی با این دو کشور، وجود داشته است و این دو کشور در سی و دو سال گذشته کوشیده اند از طریق افزایش نفوذ و قدرت خود، قدرت رقیب را کاهش دهند و به جایگاه هژمون منطقه ای دست یابند.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، رقابت، آمریکا، خاورمیانه، هژمون منطقه ای

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بیان مسئله پژوهش	۱
نگاهی با تاریخچه روابط ایران و عربستان	۲
رابطه‌ی ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی ایران	۳
بررسی ادبیات تحقیق و نظرات موجود	۹
کمبودهای پژوهش‌های صورت گرفته	۲۰
هدف پژوهش	۲۱
توضیح مختصر نظرات موجود درباره‌ی علت روابط تنش‌آلود میان ایران و عربستان سعودی	۲۲
نمایش ارتباط مفاهیم نظرات با نمودار (تبدیل نظرات به نظریه)	۲۴
فرضیه اصلی و تبدیل آن به فرضیه عملی با ذکر شاخص‌ها	۲۸
توضیح مختصر شاخص‌های فرضیه‌ی عملی	۲۹
توضیح شاخص‌های روابط تنش‌آلود عربستان و ایران	۳۰
روش گردآوری اطلاعات و آزمون فرضیه اصلی	۳۱

پیامدهای اثبات فرضیه	۳۱
پیامدهای نظری	۳۱
پیامدهای عملی	۳۱
حدود و نقطه‌ی تمرکز پژوهش	۳۲
ساختار پژوهش	۳۲
فصل اول: کلیات	۳۴
۱-۱- تاریخچه‌ی روابط ایران و عربستان سعودی	۳۵
فصل دوم: ماهیت سیاسی حکومت‌های ایران و عربستان	۴۵
۲-۱- تشیع و ریشه‌های جمهوری اسلامی	۴۶
۲-۲- نقش ایدئولوژی در جمهوری اسلامی	۵۴
۲-۳- فرهنگ باستانی و خلیفات سیاسی ایرانیان	۵۵
۲-۴- اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۵۹
۲-۴-۱- حمایت از مستضعفین	۶۰
۲-۴-۲- وحدت جهان اسلام	۶۱
۲-۴-۳- حفظ کیان اسلام	۶۳

۶۴	۲-۴-۴- صدور انقلاب
۶۷	۲-۴-۵- اصل نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی
۶۸	۲-۵- ماهیت سیاسی حکومت عربستان سعودی
۶۸	۲-۵-۱- بررسی اندیشه سیاسی اهل سنت
۷۰	۲-۵-۲- تأثیر وهابیت در ساختار سیاسی عربستان سعودی
۸۰	۲-۶- نگاهی به سیاست خارجی عربستان سعودی و اهداف آن
۸۱	۲-۶-۱- تضمین امنیت داخلی
۸۲	۲-۶-۲- به دست گرفتن رهبری دنیای اسلام
۸۲	۲-۶-۳- مخالفت با حرکت‌های انقلابی در دنیای اسلام
۸۳	۲-۶-۴- حفظ و تقویت رژیم‌های محافظه‌کار عربی و اسلامی
۸۴	۲-۷- جمع‌بندی
۸۷	فصل سوم: آمریکا علت اصلی روابط تنش‌آلود ایران و عربستان
۸۸	۳-۱- بررسی رابطه‌ی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا
۹۹	۳-۲- بررسی رابطه ایالات متحده و عربستان سعودی
۱۰۵	۳-۳- جمع‌بندی

- فصل چهارم: رقابت برای کسب جایگاه هژمون منطقه‌ای ۱۰۷
- ۴-۱- چارچوب نظری؛ رئالیسم تهاجمی ۱۰۸
- ۴-۲- رقابت ایران و عربستان در عراق ۱۱۵
- ۴-۲-۱- روابط ایران و عربستان از انقلاب تا خاتمه جنگ ایران و عراق ۱۱۵
- ۴-۲-۲- روابط ایران و عربستان از خاتمه جنگ تا یازده سپتامبر ۱۱۹
- ۴-۲-۳- عراق بعد از یازده سپتامبر؛ صحنه رقابت ایران و سعودی ۱۲۰
- ۴-۲-۴- انتخابات‌های عراق؛ مسابقه نفوذ ایران و عربستان ۱۲۴
- ۴-۲-۵- رقابت ایران و عربستان بعد از خروج آمریکا از عراق ۱۴۰
- ۴-۳- رقابت ایران و عربستان در لبنان ۱۴۳
- ۴-۳-۱- حزب‌الله ابزار نفوذ ایران در لبنان ۱۴۴
- ۴-۳-۲- رقابت ایران و عربستان در شکاف سیاسی لبنان ۱۴۶
- ۴-۳-۳- جنگ سی و سه روزه و تشدید شکاف سیاسی در لبنان ۱۴۸
- ۴-۴- رقابت ایران و عربستان در فلسطین ۱۵۴
- ۴-۵- رقابت ایران و عربستان در بحرین ۱۵۷
- ۴-۶- رقابت تسلیحاتی ایران و عربستان ۱۶۲

نتیجه گیری	۱۶۹
فهرست منابع	۱۷۲
منابع فارسی	۱۷۲
الف - کتاب ها	۱۷۲
ب - مقالات	۱۷۸
ج - سایر منابع	۱۸۱
منابع انگلیسی	۱۸۲
کتاب ها	۱۸۲
مقالات	۱۸۲
سایر منابع	۱۸۳

بیان مسئله‌ی پژوهش

تاریخ منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس آکنده از حوادث و تنش‌های سیاسی است. خاورمیانه همواره محل برخورد تمدن‌های بزرگ باستانی در شرق دنیا بوده است. آبراهه‌ی خلیج فارس که محل عبور بیش از پنجاه و شش درصد انرژی دنیاست، در این منطقه قرار دارد. بیش از چهل درصد انرژی جهان از تنگه‌ی هرمز می‌گذرد، و سالانه بیش از سیزده هزار شناور سالانه از این آبراهه عبور می‌کند.^۱ تاریخ طولانی این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک دارای اهمیت بین‌المللی است و به دلیل همین اهمیت نوسان‌های اقتصادی و سیاسی فراوانی را شاهد بوده است.

بحران فلسطین و تنش میان اعراب و اسرائیل، جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق، بحران اشغال کویت از سوی عراق و حمله‌ی نظامی آمریکا و متحدینش به عراق و حضور گسترده‌ی نیروهای نظامی قدرت‌های بزرگ در این منطقه شاهد این مدعا است.^۲ ایران که دارای بیشترین طول ساحل در خلیج فارس است از نقشی استراتژیک و فوق‌العاده مهم در منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه برخوردار است.

عربستان سعودی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای دنیای عرب مطرح است که به دلیل محل تولد دین اسلام که مقدس‌ترین مکان‌های مذهبی اسلام را در خود جا داده است. و همچنین بالاترین حجم ذخایر

۱. حمید هادیان، مناسبات جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و عراق پس از یازده سپتامبر، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد

اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۹.

۲. بهرام اخوان کاظمی، «واگرایبها و همگرایبها در روابط ایران و عربستان»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۷۹، ص

نفتی دنیا و جایگاه این کشور در سازمان اوپک که می‌تواند در تعیین قیمت نفت نقش کلیدی ایفا کند، از جایگاه بااهمیتی در عرصه‌ی سیاسی و امنیتی خلیج فارس و خاورمیانه برخوردار است.

نگاهی به تاریخچه‌ی روابط ایران و عربستان

سابقه‌ی روابط ایران و عربستان به ابتدای تشکیل نظام پادشاهی عربستان و حکومت رضاخان در ایران باز می‌گردد. دو کشور در سال ۱۳۰۷ با یکدیگر روابط سیاسی برقرار کردند. روابط دو کشور در ابتدا حسنه بود، اما با تشکیل اوپک موجب شد در این روابط تغییری صورت گیرد. سفر ملک فیصل شاه عربستان در سال ۱۳۴۵ به ایران و همچنین سفر شاه ایران در سال ۱۳۴۶ که پس از جنگ شش روزه‌ی اعراب و اسرائیل انجام شد، سیاست‌های دو کشور را در امور سیاسی و اوپک نزدیک‌تر کرد.

مبارزه‌ی آمریکا با کمونیسم و سیاست نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا مبنی بر مهار منطقه‌ای کمونیسم و مشارکت دادن متحدین منطقه‌ای در مبارزه با کمونیسم، روابط دو کشور را در دهه‌ی ۱۳۵۰ به دگرگون‌ترین سیاسی نیکسون مرتبط کرد. در این راستا ایران با قدرت نظامی رو به گسترش خود حفظ امنیت منطقه را به عهده می‌گیرد، و عربستان با اتکا به توان مالی و میلیاردی بشکه ذخایر نفتی که می‌توانست نقشی برجسته در کنترل بازار جهانی نفت ایفا کند، نقش قدرت اقتصادی را در پاسداری از امنیت منطقه عهده‌دار می‌شود.^۱

ایران تحت هدایت محمدرضا پهلوی سعی می‌کرد، حوزه‌ی نفوذ خود را گسترش دهد و به همین منظور با پیشنهاد یک پیمان دفاعی تلاش کرد تا رهبری این کشورها را بر عهده بگیرد. تبدیل شدن ایران به قدرت برتر نظامی در اقیانوس هند می‌توانست از نتایج این طرح باشد. در مقابل عربستان سعودی با امتیازات

۱. همان، ص ۱۱۸.

اشتراکات قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی با کشورهای منطقه تمایل بسیاری داشت که این سیادت را خود بر عهده بگیرد. ایران و عربستان هر دو موافق حفظ وضع موجود در منطقه بودند، در این میان عربستان اهداف ذیل را تعقیب می کرد:

- طرفداری از وضع موجود و سعی در حفظ آن؛

- ایجاد محتاطانه‌ی توازن در منطقه؛ به این مفهوم که اگر کشوری در منطقه به عنوان قدرت مسلط مطرح می شد، بلافاصله عربستان در جبهه‌ی مخالف موضع می گرفت و طرف مقابل را یاری می کرد.

- سعی در متعادل سازی گروه‌های بنیادگرای یمن جنوبی؛^۱

همکاری میان عربستان و ایران در اجرای سیاست دو ستونی نیکسون وجود داشت، اما در بطن این همکاری نوعی رقابت نیز موجود بود و عربستان از قدرت فزاینده‌ی شاه در منطقه در هراس بود. ایران در زمان شاه بیش از بیست و هفت درصد بودجه‌ی کشور را صرف امور نظامی و دفاعی می کرد، و از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ نزدیک به یک سوم کل صادرات اسلحه و تجهیزات نظامی آمریکا به کشورهای خارجی به ایران ارسال می شد.^۲ همین مسئله و رقابت‌های میان کشورهای عربی مانند رقابت عربستان سعودی و عراق بر سر رهبری کشورهای عربی بعد از ناصر موجب هراس عربستان سعودی شد.

رابطه‌ی ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رابطه‌ی ایران و عربستان وارد مرحله‌ی جدیدی شد، و تا امروز تغییرات و فراز و نشیب‌های بسیاری را شاهد بوده است. قبل از انقلاب دو کشور در مورد سیاست‌های اوپک،

۱. همان، ص ۱۲۰.

۲. باری روبین، جنگ قدرتهای بزرگ در ایران، ترجمه‌ی محمود مشرفی، تهران: آشتیانی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲.

چگونگی اداره‌ی سازمان کنفرانس اسلامی و نحوه‌ی نگرش به دو ابرقدرت آن زمان یعنی اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا نگاه تقریباً یکسانی داشتند.

پس از انقلاب اسلامی ملک خالد، پادشاه عربستان، برپا شدن حکومت اسلامی در ایران را مقدمه‌ی تفاهم و نزدیکی هرچه بیش‌تر دو کشور دانست و ملک فهد ولیعهد عربستان در اظهارنظری گفته بود: حکومت جدید ایران را تأیید می‌کنیم و برای رهبری آن احترام قائل هستیم.

تبلیغات حکومت انقلابی ایران که عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی را «مرتجع» معرفی می‌کرد، تأسیس دفتر جبهه‌ی آزادی‌بخش شبه‌جزیره‌ی عربستان در تهران و نیز مخالفت‌های مقامات سعودی با ایران سبب آغاز اظهارات تند مقامات دو کشور در مطبوعات شد.^۱

با شروع جنگ ایران و عراق کشورهای عربی برای مهار انقلاب ایران که با شعارهای صدور انقلاب اسلامی حکومت‌های عربی منطقه را تهدید می‌کرد، سیاست کمک به عراق را در پیش گرفتند. عربستان در این زمینه از دیگر کشورهای عربی فعال‌تر بود. عربستان که به ظاهر در جنگ ایران و عراق موضع بی‌طرفی اتخاذ کرده بود، با اختصاص وام‌های کلان، به بزرگ‌ترین حامی مالی عراق در طول جنگ تبدیل شد. از مجموع هفتاد میلیارد دلار کمک مالی و تجهیزاتی به عراق، بیش از چهل میلیارد دلار از سوی عربستان صورت گرفته است. عربستان روزانه دویست و هشتاد هزار بشکه نفت از منطقه‌ی بی‌طرف استخراج و به

۱. پرویز نادری نسب، «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

دوره‌ی ۴۰، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۳۱۹.

حساب عراق می فروخت و روزانه سیصد و پنجاه تا پانصد هزار بشکه نفت از خاک خود برای عراق ترانزیت می کرد.^۱

عربستان از جنگ میان ایران و عراق استفاده کرد و توانست رهبری کشورهای عربی منطقه را بر عهده گیرد، و تشکیل نیروی واکنش سریع مورد توافق کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به تصویب کشورهای عربی برساند. در مراحل اولیه جنگ با پیروزی‌های اولیه‌ی ایران عربستان سعی کرد که نقش میانجی را ایفا کند. به همین منظور وزیر خارجه این کشور به ایران سفری انجام داد که پیشنهاداتی را در مورد صلح با خود آورد اما ایران هیچ کدام را نپذیرفت. در این مقطع زمانی یعنی از اواخر سال ۱۳۶۴ تا پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ تنش در روابط ایران و عربستان سعودی به بالاترین حد خود رسید.

عربستان در اجلاس اوپک در سال ۱۳۶۴ طرحی را ارائه داد که با مخالفت ایران روبه‌رو شد. این طرح که به دفاع از سهمیه‌ی اوپک در بازارهای جهانی حتی به قیمت کاهش بهای نفت موسوم شد، کشورهای عربی بازارهای نفتی را از نفت اشباع کردند. این مسئله موجب شد تا قیمت نفت به پایین‌ترین میزان خود در طول تاریخ برسد.^۲ رویدادی که تنش در روابط ایران و عربستان را به حداکثر رساند اما حادثه‌ی مرداد ۱۳۶۶ در جریان راهپیمایی براهت از مشرکین در مکه بود که در جریان آن تعدادی از حجاج ایرانی توسط پلیس سعودی کشته شدند. آیت‌الله خمینی (ره) رهبر فقید جمهوری اسلامی در آن زمان گفت: «حتی اگر از جنایات صدام بگذریم، جنایات آل سعود در این حادثه غیرقابل بخشش است».^۳

۱. همان، ص ۳۱۹.

۲. اخوان کاظمی، پیشین، ص ۱۲۶.

۳. «آل سعود و تکرار اشتباهات گذشته»، روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۶۸/۴/۱۱.

با خاتمه‌ی جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق و ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تغییراتی را شاهد بود. سیاست آرمان‌گرایانه‌ی دهه‌ی اول انقلاب در دوران دهه‌ی دوم انقلاب با سیاستی عمل‌گرایانه با هدف خارج ساختن ایران از انزوای دهه‌ی انقلاب، جایگزین شد.^۱ توجه به مؤلفه‌های اقتصادی، اهمیت جبران خسارت‌های جنگ عراق برای ایران و همچنین خسارت‌های جنگ دوم خلیج فارس برای سعودی، دو کشور را بر آن داشت تا برای بهبود روابط فیما بین گام‌هایی بردارند.

جنگ اول خلیج فارس و دشمنی مشترک دو کشور با عراق موجب شد تا ایران و عربستان به یکدیگر نزدیک‌تر شوند. روابط ایران و عربستان که بر سر تظاهرات حجاج در سال ۱۹۸۷ که در جریان آن چهارصد و دو حاجی از جمله دویست و هفتاد و پنج ایرانی کشته شدند، قطع شده بود به دنبال مذاکرات وزرای امور خارجه‌ی دو کشور در ماه مارس ۱۹۹۱ برقرار شد. در ژوئن همان سال عربستان پذیرفت که صد و ده هزار نفر از زائران ایرانی در مراسم حج شرکت کنند.^۲

روابط ایران و عربستان از زمان انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۷ وارد بهترین وضعیت شد. برگزاری اجلاس سران کنفرانس اسلامی در ایران و حضور امیر عبدالله ولیعهد وقت عربستان در ایران، مقدمه‌ای بود برای بهبود این روابط. سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان در توصیف برگزاری این اجلاس در تهران و افزایش اعتماد میان ایران و کشورهای عربی می‌گوید: شرکت چشم‌گیر اعضا، نشانه‌ی احترام اعضا به ایران و نقش ایران و اعتراف به نقش چشم‌گیر این کشور است. و ما معتقدیم که این

۱. علیرضا ازغندی، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۲، ص ۱۸.

۲. روح الله رمضانی، **چهارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران: نشر نی،

چاپ پنجم، ۱۳۸۶، ص ۸۸

سبب بهبود هرچه بیشتر مناسبات میان تهران و ریاض است و به همکاری و هماهنگی بیشتر طرفین خواهد انجامید.^۱

دیدار هاشمی رفسنجانی از ۲۱ فوریه تا ۶ مارس ۱۹۹۸ از ریاض و دعوت سعود الفیصل از سید محمد خاتمی نشانه‌ی دیگری از این بهبود روابط بود. هاشمی رفسنجانی در دیدار از عربستان با بسیاری از سعودی‌ها از جمله تجار، سیاستمداران، استادان دانشگاه و دیگران گفت‌وگو نمود.^۲ اتخاذ سیاست مشترک درباره‌ی قیمت‌گذاری نفت در اوپک از دیگر نتایج سفر هاشمی به عربستان بود. در این سفر بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت ایران هاشمی رفسنجانی را همراهی می‌کرد و به دنبال مذاکرات زنگنه با علی النعیمی وزیر نفت عربستان چارچوبی برای هماهنگی برابری تولید نفت در درون اوپک ثبات کلی بازار نفت فراهم شد.^۳

وقوع چند اتفاق روند روابط رو به بهبود دو کشور را متوقف کرد. حمله‌ی آمریکا به عراق و قدرت گرفتن شیعیان در پی سقوط صدام حسین، نگرانی عربستان را به دنبال داشت. بحران در روابط ایران و آمریکا و مطرح شدن برنامه‌ی هسته‌ای ایران و همچنین بهبود روابط آمریکا و عربستان که به کوشش ترکی الفیصل انجام گرفته بود، بر روابط ایران و عربستان تأثیر گذاشت.^۴

با اشغال عراق از سوی آمریکا و روی کار آمدن محمود احمدی نژاد در ایران و مواضع تند وی علیه آمریکا، متحد درجه اول سعودی‌ها، تنش در روابط تازه ترمیم شده‌ی دو کشور را احیا کرد. عربستان نگران

۱. همان، ص ۱۴۸.

۲. همان.

۳. آرشین ادیب مقدم، **سیاست بین‌المللی در خلیج فارس**، ترجمه‌ی داوود غرایاق زندی، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷.

۴. هادیان، پیشین، ص ۷۵.

اتحاد سیاسی و مذهبی شیعیان عربستان با ژئوپلیتیک شیعه به مرکزیت جمهوری اسلامی ایران است و نقطه‌ی عطف آن را قدرت‌یابی شیعیان طرفدار جمهوری اسلامی ایران در ساختار سیاسی عراق می‌بیند.^۱

انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۰۵، وقوع رویدادهایی مانند جنگ سی و سه روزه‌ی اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان و اتهاماتی که طرفین به یکدیگر وارد می‌کردند، تنش در روابط را افزایش داد. انتشار اسناد محرمانه‌ی دیپلماتیک آمریکا در سایت ویکی لیکس که در آن از قول ملک عبدالله پادشاه عربستان نقل شده بود که به دولت آمریکا توصیه کرده بود که سر این مار (ایران) را قطع کنید، فضای تبلیغاتی میان دو کشور را بسیار سنگین کرد.

قیام در کشورهای عربی مانند مصر، تونس، بحرین و یمن رویداد دیگری بود که روابط میان دو کشور را تحت تأثیر قرار داد. اعزام نیروهای نظامی عربستان به بحرین برای سرکوب قیام در این کشور موجب شد، میان دو کشور درگیری لفظی شدیدی در بگیرد. بحرین کشوری با اکثریت شیعه حساسیت ایران را نیز تحریک کرد. چند نفر از نمایندگان حامی دولت در مجلس شورای اسلامی خواستار اقدامی مشابه عربستان شدند و پیشنهاد اعزام نیروی نظامی به بحرین را مطرح کردند.^۲ حسن فیروزآبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران نیز در سخنان تندی به اعزام نیروهای سعودی به بحرین واکنش نشان داد.^۳

۱. حمید هادیان، «کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه راهبرد، شماره‌ی سی و نهم، بهار ۱۳۸۵، ص ۹۱.

۲. خبرآنلاین، یک‌شنبه ۲۱ فروردین ساعت ۳۶:۱۰.

۳. همان، یک‌شنبه ۲۱ فروردین ساعت ۴۷:۱۴.

به هر روی روابط ایران و عربستان سعودی در دوره‌های مختلف شاهد فراز و نشیب‌های فراوان بوده است. اتفاقات اخیر منطقه‌ی خاورمیانه به پیچیدگی این روابط افزوده است، تا جایی که بیل جردن سفیر سابق آمریکا در عربستان از روابط دو کشور با تعبیر جنگ سرد یاد می‌کند.^۱

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که چرا روابط ایران و عربستان پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ در بیش‌تر سال‌های سه دهه‌ی گذشته همراه با تنش و غیردوستانه بوده است. یافتن اصلی‌ترین علت غیردوستانه بودن روابط این دو کشور مهم منطقه‌ی خاورمیانه پرسشی است که این پژوهش به دنبال پاسخ آن است.

بررسی ادبیات تحقیق و نظرات موجود

آرشین ادیب مقدم استادیار سیاست بین‌الملل خاورمیانه در مدرسه‌ی مطالعات شرقی و آفریقای دانشگاه لندن در کتاب «سیاست بین‌المللی در خلیج فارس» می‌کوشد منازعات موجود میان کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه، به اصطلاح موجود در ادبیات سازه‌انگاران «برساخته» بدانند. به عقیده‌ی ادیب مقدم، منبع اصلی کشمکش در میان کشورهای خلیج فارس تأثیر هنجارها، هویت‌ها، ایدئولوژی‌ها و دیگر دست‌ساخته‌های فرهنگی در زندگی مردم این منطقه است. به نظر ادیب مقدم ایرانیان و اعراب هویت خود را در مقابل «دیگری» تعریف می‌کنند. ادیبی مقدم روند تشکیل دیگری و ساختن هویت را در میان اعراب و ایرانیان بررسی می‌کند. این نویسنده ترویج ایران‌گرایی یکی از مسائلی می‌داند که توسط رضا شاه و محمدرضا شاه پهلوی تبلیغ می‌شد.

۱. «برنامه شصت دقیقه»، تلویزیون بی بی سی فارسی، شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰.

«ابرملی‌گرایی» ایرانی در نگاه ادیبی مقدم پیوند نزدیکی با نگرش‌های شرق‌گرایانه در مورد مردمان هند و اروپایی و بی‌مایگی نژاد سامی دارد.^۱ هویت‌سازی ایرانیان در حساسیت این مردم نسبت به نام خلیج فارس خود را نشان داده است. انتخاب نام خلیج فارس برای آبراهه‌ی جنوب ایران شاهدهی بر احساس برتری تاریخی ایرانیان دانسته شده است. روشنفکران ایرانی در دوره‌ی پهلوی سعی در احیای اندیشه‌ی ایران باستان داشتند و این متفکران «ایرانی» را به واسطه‌ی ریشه‌های زبانی مشترک با میراث هندواروپایی از «عرب سامی» متفاوت می‌دید.^۲

در مقابل ملی‌گرایی ایرانی، ملی‌گرایی عربی نیز در حال انتشار بود. افرادی مانند عفلق با تأکید بر برتری زبان عربی به عنوان منبع هویت سیاسی نوعی عرب‌گرایی را ترویج می‌کردند. در نگاه این متفکران اسلام نیز جنبش انقلاب عربی بود. در نتیجه پیامبر اسلام (ص) نیز به عنوان قهرمان ملت عرب محسوب می‌شد.^۳ از نگاه اعراب ذهنیت پارسیان متأثر از احساسات ملی‌گرایی قومی در پوشش احساسات شوونیستی آریایی است و از منظر ایرانیان گفتمان ملی‌گرایی عربی می‌خواهد ایرانیان را در خلیج فارس و خاورمیانه به حاشیه براند.^۴

در مورد دوران بعد از انقلاب و روابط ایران و عربستان که موضوع اصلی این پژوهش است ادیب مقدم به بررسی ایدئولوژی انقلاب ایران و نظریه‌های آیت‌الله خمینی (ره) و همچنین تفکر وهابیت حاکم بر عربستان سعودی می‌پردازد. ادیب مقدم در اثر خود به مخالفت آیت‌الله خمینی (ره) با حکومت‌های پادشاهی اشاره می‌کند. رهبر فقید انقلاب مشروعیت رژیم‌های پادشاهی منطقه را به چالش کشید.

۱. ادیب مقدم، پیشین، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. همان، ص ۳۸.

۴. همان، ص ۴۱.

طبق برداشت نویسنده اشکال پادشاهی در کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی با حکومت مطلوب اسلامی تطابق ندارد. طبق تعالیم امام خمینی (ره) مبارزه با انواع حکومت پادشاهی از وظایف علمای مذهبی است. ادیب مقدم یکی از اجزای نظریه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) قاعده‌ی ضدسلطنت و مخالفت جمهوری اسلامی علیه نخبگان حاکم در عربستان سعودی، اردن و مراکش می‌داند. بر اساس قاعده‌ی حکومت اسلامی مورد نظر امام خمینی (ره)، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس از مسیر اسلام ناب محمدی خارج شده‌اند و اسلام آمریکایی در این کشورها پیاده شده است.^۱

امام خمینی (ره) حملات خود به پادشاهی ایران را به حکام سعودی نیز تعمیم داد. امام خمینی (ره) حکومت پادشاهی را منحط و نامناسب برای جامعه‌ی اسلامی معرفی کرد و خاندان سعودی را به خاطر روش زندگی و سرقت اموال و هدر دادن آنها و استفاده از آنها در تن‌آسایی، شب‌نشینی و عیاشی‌ها مذمت کرد.^۲

جدال نظریه‌ی امام خمینی (ره) با رهبری آل سعود عمیق‌تر شد. در عربستان سعودی، ائتلاف بین محمد بن عبدالوهاب و حاکم قبیله‌ای عبدالعزیز بن سعود در قرن هجدهم دولت پادشاهی اسلامی (وهابی) را ایجاد کرد، و آن کشور راه محافظه‌کاری، حفظ وضع موجود و هویت دولتی موروثی و غرب‌گرا را در پیش گرفت.^۳ در ایران اما اسلام امام خمینی (ره) جنبش ایران را به مسیر انقلابی، آرمانی و ضدامپریالیستی کشاند.

بنا بر اختلاف بین این دو روایت متعارض، دو هویت دولتی پدید آمد: محافظه‌کاری سنتی - وهابی آل سعود از یک سو و بین‌المللی‌گرایی شیعی - انقلابی جمهوری اسلامی از سوی دیگر.^۴ بر این اساس چالش

۱. همان، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. همان، ص ۵۹.

۴. همان.